

ماجرای عشق و عاشقی میدون

عشق، بی‌کاری نیست که راحت قانع شوم



پوریا عالمی

• دیروز علی ربیعی - وزیر کار- رفته بوده مجلس تا به سؤال نادر قاضی‌پور - نماینده- جواب بدهد. خوشبختانه اتفاق خاصی نیفتاده است. به چند دلیل؛

- حتما علی ربیعی شنیده توی راهرو مجلس بین خبرنگار و آقای قاضی‌پور چه اتفاقی افتاده. به‌همین‌دلیل فهمیده قاضی‌پور دوست ندارد سؤال بشنود و فقط دوست دارد سؤال بکند. ربیعی هم فقط جواب داده. حتی می‌گویند حال‌واحوال قاضی‌پور را هم نپرسیده که قصه نشود.

- شانس‌ی که همه آوردیم این بوده که بعد از توضیحات وزیر کار، آقای قاضی‌پور - کماکان نماینده مجلس- گفته: «آقای پزشک‌یان شما می‌دانید من سخت قانع می‌شوم، اما به خاطر هفته دولت مهلت می‌دهم تا آنها اعمالشان را پاک کرده و از حقوق کارگران دفاع کنند». واقعا وزیر شانس آورده که این نماینده قانع شد و خوشبختانه مسائل کاری و حقوق کارگران کمافی‌السابق حل‌نشده باقی ماند. منتها برخلاف مشکلات کارگران و دیگر مشکلات کشور که حلش بر دوش نمایندگان است، با روشی که این نماینده اتخاذ کرده، خبرنگاران کلا حل شدند.

آه کشیدن غلیظ

می‌بینی سوفیا؟ اینکه قاضی‌پور است و آن هم که وزیر کار و موضوع هم که مشکلات کارگران است، به این راحتی همه قانع می‌شوند. بعد بابای تو، از قاضی‌پور قانع‌نشوتر است؟ کاش من خبرنگار بودم و توی راهرو مجلس با قاضی‌پور تنها می‌ماندم تا دوتا مشت پخورم و مشکلاتم کامل برطرف شود، نه مثل بابای تو که نه آدم را می‌زند، نه قانع می‌شود و نه تورا به من می‌دهد. کاش نسبت من و غم عشق تو مثل نسبت بی‌کاری و کارگران بود که به این سادگی قانع شویم. هی. (هی نوعی آه‌کشیدن غلیظ است). بله سوفیا. عشق بحران بی‌کاری نیست که راحت قانع شوم. به بابات هم بگو اگر راست می‌گوید، رنگ آخر، تنها بیاید توی راهرو مجلس. قربانت، میدون دوم.

# شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۵ • ۲۸ ذی‌القعدة ۱۴۳۷ • ۳۱ آگوست ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۶۷۰ • ۲۰ صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۲۰:۵۱ • اذان صبح فردا ۵:۰۹ • طلوع آفتاب ۶:۳۶

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



علی رومانی  
alioromani84@gmail.com

تصویب قانون ممنوعیت حمل سلاح سرد



مهرداد حجتی



«مهران مدیری گفته، همه حرف‌هایی که می‌خواسته در تلویزیون بزند، زده، حالا حرف‌هایی دارد که می‌خواهد برود در سینما بزند». چپی این را از روی نوشته‌ای می‌خواند. راستی می‌پرسد: «یعنی این‌قدر حرف دارد بنده خدا؟! چپی می‌گوید: «کجایش را دیده‌ای؟ بقیه حرف‌هایش را هم می‌خواهد در کتاب‌هایش بزند». راستی با همان تعجب می‌پرسد: «مگر کتاب هم می‌نویسد؟» چپی می‌گوید: «گفته می‌خواهد چهار جلد خاطره بنویسد». راستی که تعجبش بیشتر شده، می‌گوید: «چهار جلد؟! یعنی این همه حرف هم برای نوشتن دارد؟! چپی می‌گوید: «لایب دارد. نان در همین «حرف‌زدن» است. اگر بلد باشی چطور حرف بزنی، می‌توانی بازش پول خوب هم بگیری. خیلی‌ها به‌خاطر همین هنر حرف‌زدن است که به همه‌جا رسیده‌اند. چون بلدند چطور حرف

آن‌سوی دنیا

کتاب به‌جای پوکمون

تب بازی «پوکمون‌گو» همچنان بالاست، آن‌قدر که افرادی در نقاط مختلف جهان به فکر افتاده‌اند تا از ظرفیت‌های این بازی استفاده و مردم را به کارهایی مثبت‌تر دعوت کنند؛ کارهایی مثل کتاب‌خواندن. براساس گزارش «رویترز»، «اولین گرگور»، معلم مدرسه ابتدایی در بلژیک، با الهام از بازی واقعیت افزوده پوکمون‌گو، بازی‌ای را طراحی کرده است که در آن شما به‌جای جست‌وجوی هیولا در سطح شهر، به دنبال کتاب هستید. برای انجام این بازی از یک گروه فیس‌بوکی به اسم «شکارچیان کتاب» استفاده شده است. از زمان تشکیل این گروه فیس‌بوکی تاکنون، ۴۰ هزار نفر به آن پیوسته‌اند. شیوه بازی هم به این شکل است که کاربران این بازی، عکس‌ها و نکاتی را در مورد کتابی که در نقطه‌ای از شهر پنهان کرده‌اند در این گروه ارسال می‌کنند و دیگران باید کتاب‌های یادشده را بیابند. بعد از اینکه فرد کتاب مخفی‌شده را یافت و آن را تا انتها خواند، آن را به بازی برمی‌گرداند تا سایرین آن را بیابند و مطالعه کنند.

مشتری کافه خیابان وسط

به قیمت یک دورهمی

بزنند». راستی می‌گوید: «اما بعضی‌ها هم بلد نیستند. خراب می‌کنند. آن‌وقت نانشان آجر می‌شود». چپی می‌گوید: «اما بعضی‌ها خراب می‌کنند و نانشان آجر نمی‌شود. برعکس بر سر کار خود می‌مانند و به کارشان ادامه می‌دهند. چون می‌بینند کسی کاری به کارشان ندارد. این‌طوری باور می‌کنند که حرفشان درست بوده. بعد همان حرف‌ها را بیشتر تکرار می‌کنند. واقعا هم فکر می‌کنند عده‌ای خوششان می‌آید!» راستی می‌گوید: «تا آمدم دو کلمه حرف حساب بزنیم باز رفتی سراغ آنها. می‌شود کاری به کارشان نداشته باشی؟» چپی می‌گوید: «تو که نمی‌دانی منظور من کیست؟ من که هنوز اسمی نبرده‌ام؟» راستی می‌گوید: «مرد حسابی با آن همه صغرا کبرا معلوم است که می‌خواهی چه بگویی؟» چپی می‌گوید: «شما بگو چه می‌خواستم بگویم؟» راستی بلافاصله می‌گوید: «می‌خواستی بگویی افخمی و فراستی این همه حرف در برنامه زنده تلویزیون می‌زنند و کسی کاری به کارشان ندارد. همین را می‌خواستی بگویی. غیر از این است؟» چپی

اتفاق

فروشنده و سؤال‌هایی که ره‌ایتان نمی‌کند



گیسو فغفوری

هدایت می‌کند. این فیلم هم با پله‌ها، سردرگمی‌ها و ویرانی‌های کوچک آغاز می‌شود و در نهایت شما هستید و وجدان خودتان و جواب سؤال را نویسنده فیلم‌نامه - اصغر فرهادی، برنده جایزه جشنواره «کن» امسال - می‌داند و این‌بار هم پایان بازی وجود دارد که شما باید و جوابی که خاص خودتان است. تمام احساسات را برای دیدن این فیلم نیاز دارید، از ترس، شک تا انتقام و گذشت، از عشق تا تنهایی، از شادی نوجوانانه تا کودکی؛ اما شاید دانستن چند کلیه‌واژه بتواند کمک‌تان کند که فیلم را در اضطراب کمتری ببینید، هرچند فرهادی گریزگاه‌هایی طنزآمیز برای تنفس تماشاگر هم گذاشته است. رختخواب آشفته، ترک ظرفیت روی شیشه، کارت بانکی که پیدا نمی‌شود، ترکیدن لامپ حمام، جوراب سوراخ، لکه خون روی پله، پسری که پدرش در راهنمایی و رانندگی است، پول داخل کشو، موبایل و سونیج ماشین، کتاب‌هایی که به سطل زباله ریخته می‌شوند، سردر آوردن از تفاوت بی‌امو با bmw و... بیشتر از یک روز زمان نیاز هست تا شاید با فیلم کنار بیاید و این سؤال‌ها ره‌ایتان کند که اگر شما بودید چه می‌کردید؟ یا چه کار می‌توانستید بکنید؟



بانتجارت  
روابط عمومی



اقدام و عمل برای ساختن ایران

هفته‌بانگداری اسلامی را گرامی می‌داریم



نوزدهمین جشنواره تابستانی کیش

۱۵ تیر الی ۳۰ شهریور

19th KISH SUMMER FESTIVAL

www.kish.ir



بلیط هواپیما و اقامت هتل ویژه کودکان زیر ۷ سال رایگان می باشد

برای ثبت نام عدد ۱ را به ۶۱۲۲ پیامک نمایید.

تخفیفات ویژه

هتل ها بازار ها تفریحات دریایی و خدمات گردشگری

